

اعتراضات کشاورزان درهند دورهایی برای کارگران



یک)

دولت راست‌گرای هند آنقدر تشنه‌ی سود است که خطر قحطی برای کشورش را به جان می‌خرد.

نوشته‌ی جاستین پودر در ۱۶ مارس ۲۰۲۱^۱



۱) در این تصویر اتوبان ورودی دهلی نشان داده می‌شود که توسط کشاورزان اشغال شده است و پلیس دهلی با خاکریز و آبپاش سعی دارد از پیشروی آن‌ها جلوگیری کند.

دولت راست‌گرای هند تا بدین‌جا از همه‌ی ابزارهای مدرن برای سرکوب اعتراضات تاریخی کشاورزان استفاده کرده است. این وسط چیزهای بسیاری در خطر است: سیستم کشاورزی که

^۱ Justine Podur:

<https://www.counterpunch.org/۲۰۲۱/۰۳/۱۶/indias-right-wing-government-is-so-hungry-for-profit-it-will-risk-a-famine-for-the-country/>

مردم هند را از قحطی حفظ کرده است در آستانه‌ی بی‌ثباتی است و کشاورزان هند در آستانه‌ی ورشکستگی هستند. دولت هند و میلیاردرهای پشت سرش بر سر چهارراه تاریخی قرار گرفته‌اند: آن‌ها محاسبه کرده بودند که اگر بتوانند سیاست و اقتصاد روستایی هند را زیرو رو کنند می‌توانند سال‌ها قدرت خود را در بالای هرم حفظ کنند.

کشاورزان به سه قانونی که در سپتامبر ۲۰۲۰ در دولت مرکزی تصویب شد اعتراض دارند. این قوانین کاملاً سیستم حمایتی دولتی در پنجاب و هرایانا را کاملاً از بین می‌برد، دو تا استانی که حاصل‌خیزترین و صنعتی‌ترین کشاورزی را در هند دارند.^۲ دولت مودی مداماً تکرار می‌کند که این قوانین در راستای افزایش درآمد کشاورزان است و قرار نیست چیزی بدتر شود. از آن طرف دو میلیارد پست سر مودی (آمبانی و آدانی) مشخصاً تکذیب کردند که شرکت‌های فراوانشان از این تغییر قرار است سودی کنند!

وضعیت میلیاردرها در هند دوباره برگشته است به وضعیتی که راج‌های انگلیسی در زمان استعمار داشته‌اند. بر اساس آمار آزمایشگاه نابرابری در جهان توماس پیکتی و لوکاس چانسل در پاریس، سهم ۱ درصد میلیاردرهای امروز هند از درآمد ملی همانند سهم ۱ درصد راج‌های بریتانیایی در زمان استعمار است! این «راج‌های میلیاردر» دارند آماده می‌شوند که هند را از کشوری گرسنه دوباره به کشوری قحطی‌زده تبدیل کنند.^۳

اما بحران کشاورزی هند بسیار قدیمی‌تر از تصویب این سه قانون جدید است و در حقیقت ریشه در دوران استعمار انگلیس دارد. اچ‌اچ خندکار در سال ۱۹۸۶ جامعه‌ی هند قبل از استعمار را «جامعه‌ای اخلاقی» توصیف کرده است که در آن سیستم سیاسی اقتصادی به گونه‌ایی بوده است که حداقل‌هایی برای همه بوده است. مایک دیویس در کتابش «هلوکاست ویکتوریایی: قحطی ال‌نینیو و برساختن جهان سوم» می‌گوید: «در زمان گورکانی‌ها تا سال ۱۷۷۰ در هند تقریباً هیچ قحطی‌ای ثبت نشده است. شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تا قبل از

^۲ بیش‌تر از ۶۵ درصد گندم و برنج کل هند در این دو استان تولید می‌شود.م

^۳ در سال ۲۰۲۰ شاخص گرسنگی جهانی، هند را در رده ۹۴م جهان از میان ۱۰۷ کشور طبقه‌بندی کرده است.م

حضور بریتانیا در هند و ساختن بازار غلات ملی و سرتاسری بر اساس شبکه‌ی ریل‌های قطار، شبکه‌ی غذایی محلی بسیار در هم‌تنیده‌ایی وجود داشته است. این شبکه که بر اساس روابط محلی غذا را به دست افراد می‌رسانده است حتی مکانیزم‌هایی برای کنترل قیمت برای مازاد تولید و نگهداری غلات داشته است. امپراطوری گورکانی حفاظت از دهقانان را جزو مسئولیت‌هایش می‌دانسته است. سیاستی‌هایی از قبیل ممنوعیت صادرات محصولات کشاورزی، تخفیف مالیاتی به دهقانان و توزیع رایگان غذا بدون درخواست کار اجباری در «ازایش» دیگر امپراطوری بزرگ آن زمان، مارات‌ها هم در زمان‌های قحطی اشراف‌زادگان و خان‌ها را مجبور به پخش رایگان غذا میان گرسنگان می‌کرد و با انبار محصولات در زمان‌های کمبود به شدت برخورد می‌کرد. انگلیسی‌ها از این قانون متنفر بودند و آن را «خیریه‌ی اجباری صدها مرد متمول» خواندند. امپراطوری سیک‌ها در پنجاب هم‌زمان که با گورکانی‌ها و انگلیسی‌ها می‌جنگیدند، اصلاحات ارضی وسیعی را به نفع دهقانان در زمین‌های تحت فرمانروایشان انجام دادند. در همین زمان‌ها بود که کمپانی هند شرقی شروع به جمع‌آوری مالیات و کارمزد از مردم بنگال کرد و کم‌کم کل شبه‌قاره را در دست خود گرفت. ناویوگ گیل، تاریخ‌دان، سیستم انگلیسی را این‌طور معرفی می‌کند:

مالکیت خصوصی بر مینای کاست، محدود کردن پرداخت‌ها و مالیات‌ها به پول نقد، ادغام سیستم کشاورزی هند در بازار جهانی تولید و مصرف کشاورزی... مالیات‌ها دیگر تناسبی با میزان برداشت نداشتند و تناوبات مداوم قیمت محصولات در بازارهای جهانی باعث شده بود که کشاورزان هم مداوماً بین رفاه حداقلی و فقر گسترده در تناوب باشند. تولید اضافی یک محصول داخلی می‌تواند براساس قوانینی خارجی و بازارهای بین‌المللی کاملاً بی‌ارزش تلقی شود و اصلاً خریداری نداشته باشد و با این وجود درآمد مشخص شده باید به کمپانی پرداخت می‌شد. زندگی کشاورزان همانقدر به فصول و آب‌وهوا مربوط بود که به رحمت دولت.

کلایی سازی غذا از همین نقطه آغاز شد و به دنبال آن قحطی‌ها آمدند. کتاب دیویس در مورد قحطی‌های این دوران در هند به خوبی توضیح می‌دهد:

با این که بریتانیایی‌ها مکرراً اعلام می‌کردند که آن‌ها هند را از گرسنگی همیشگی نجات دادند، مقاله‌ایی در سال ۱۸۷۸ در ژورنال معتبر مطالعات آماری جامعه منتشر شد که بسیاری از افسران انگلیسی را هم حیران کرد! این مقاله اعلام کرده بود که در طول ۱۲۰ سال سلطنت بریتانیا بر هند ۳۱ قحطی گسترده و بسیار کشنده رخ داده است در صورتی که در طی دو هزار سال قبل از آن تنها ۱۷ قحطی ثبت شده است... بریتانیایی‌ها سپس قوانین جدیدی وضع کردند که فقرا باید در ازای دریافت غذا برای جلوگیری از گرسنگی کار کنند. این قانون از سال ۱۸۶۶ به عنوان قانون فقر و ویکتوریا در بنگال به اجرا درآمد، جایی که تا به اون روز توزیع غذا بین مردم نیازمند بدون هیچ پیش شرطی بود، همان طور که پدر به فرزند خود غذا می‌دهد.

اچ. اچ خندکار در کتابش به نقل از نویسنده‌ی انگلیسی وی. اچ. مورلند (۱۹۲۳) در مورد تفاوت بین قحطی‌های هند می‌نویسد که در دوران استعمار «قحطی کار» بوده و دیگری در دوران پیشا استعماری «قحطی غذا». در دوران پیشا استعماری مردن مردم از قحطی نتیجه‌ی مستقیم کمبود غذا بوده است در حالی که در دوران استعمار مردم هند از فقر و بی‌کاری می‌مردند درحالی که در انبارهای انگلیسی‌ها غذا بود و آن‌ها از آن به خاطر اخلاق ویکتوریایی محروم بودند، اخلاقی که می‌گفت کسی حق ندارد چیزی در ازای هیچی بگیرد.

مرگ گسترده با گرسنگی دقیقاً ابزاری بود که امپراطوری بریتانیا برای ساختن اقتصادی واقعا جهانی و نظامی برمبنای کنترل زمین‌های کشاورزی و دهقانان بدان نیاز داشت. سیستمی که در آن غذا اسلحه‌ایی در دستان استعمارگران بود. بی‌ثباتی غذایی در مستعمره‌ها معادل ثبات سیستم غذایی متروپل بود.

برتولت برشت هم جایی نوشته بود که «قحطی همین‌طوری اتفاق نمی‌فند بلکه از طریق تجارت غلات سازمان‌دهی می‌شود.»

مسیر توسعه در هند و چین معمولاً با هم مقایسه می‌شوند که مقایسه‌شان در این زمینه هم خالی از لطف نیست: چین پیشا استعماری حتی بهتر از هند پیشا استعماری سیستم کشاورزی

خود را مدیریت می‌کرد. آن‌طور که دیویس در کتابش می‌گوید: «قبل از جنگ تریاک در سال ۱۸۳۹ سلسله‌ی چین هم از نظر تکنولوژی و هم از نظر سیاسی توانایی جابه‌جایی غلات و محصولات کشاورزی را در سرتاسر امپراطوری خود داشت. به همین دلیل قدرتی بسیار بالا برای مدیریت غذا و جلوگیری از گرسنگی داشت، در جغرافیای وسیعی که تا آن روز مشابهی نداشته است.» امپریالیسم در چین هم مانند هند با خودش قحطی آورد که بزرگ‌ترینش در سال ۱۸۷۶ بود. جنگ‌های مداوم تریاک که هربار دولت چین را مجبور به پرداخت غرامت‌های سنگین می‌کرد سبب شد سیستم امنیت غذایی سلسله‌ی چین از هم فروپاشد. در هردو کشور سال‌های امپریالیسم سبب کالاسازی غلات و فروپاشی سیستم غذایی شد و در نتیجه میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشاند.

امنیت غذایی در هند و چین پس از استقلال

بعد از استقلال، هم چین و هم هند سعی کردند که کشورهایشان را دوباره به سمتی هدایت کنند که حداقل امنیت غذایی برای شهروندانشان فراهم شود. تلاش اولیه‌ی هردو کشور نتایج بسیار وحشتناکی داشت. بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ چین قحطی وحشتناکی را تجربه کرد، حتی بدتر از آنچه در دوران امپریالیسم رخ داده بود. پس از آن اما چین سیستم کشاورزی و امنیت غذایی‌اش را کاملاً تغییر داد و ابتدا به از بین بردن کامل گرسنگی رسید و بعد حذف فقر مطلق را هدف قرار داد. چین لینگ در مقاله‌ای در سال ۲۰۲۰ از موفقیت چشمگیر حزب کمونیست چین در از بین بردن فقر مطلق می‌نویسد. برنامه‌ای که بنا دارد در ادامه کاملاً فقر را تا سال ۲۰۲۵ از بین ببرد.^۴

^۴ مستندی هم درباره‌ی این برنامه‌ی عظیم چین برای شبکه‌ی آمریکایی پی‌بی‌اس توسط رابرت لارنس کوهن ساخته شده بود که در ماه می ۲۰۲۰ از روی شبکه برداشته شد. در راستای تنش روزافزون بین آمریکا و چین و شروع جنگ سرد جدید هر تصویر مثبتی از چین در آمریکا سانسور می‌شود! م.

اما مسیری که هند طی کرده است کاملاً متفاوت بوده است. هند بعد از استقلال هیچ‌گاه قحطی تجربه نکرده است اما در تمام این سال‌ها گرسنگی لاعلاجی را تحمل کرده است. ژان درز و آمارتیا سن در کتاب خود به نام «گرسنگی و اقدام عمومی» در سال ۱۹۹۱ نوشته‌اند:

اگر میزان مرگ و میر هند که ۱۲ در هزار است را با چین که ۷ در هزار است مقایسه کنیم و این اختلاف را در جمعیت ۷۸۱ میلیونی هند در سال ۱۹۸۶ ضرب کنیم متوجه می‌شویم که مرگ و میر در هند ۳٫۹ میلیون نفر در سال بیش‌تر است. در حقیقت این عدد به ما می‌گوید که تقریباً در هر هشت سال در هند انسان‌های بیش‌تری به مرگ «معمولی» می‌میرند تا همه‌ی آن‌هایی که در سال‌های قحطی چین مرده‌اند. در حقیقت هند اسکلت‌های بیش‌تری را هر هشت سال یک بار جمع می‌کند از هر آنچه در بین سال‌های شرم چین اتفاق افتاده بود

مرکز ملی سلامت خانواده در هند در پیمایش سال ۲۰۱۹-۲۰ اعلام کرد که در ایالت گوجارات (که ایالت نخست‌وزیر مودی است و از آن به عنوان الگوی توسعه برای بقیه هند نام می‌برند) ۳۹ درصد کودکان زیر ۵ سال به دلیل سوتغذیه رشد ناقصی داشته‌اند. این گزارش پر از این آمارهای تکان‌دهنده برای همه‌ی استان‌های هند است. حدوداً ۲۵ درصد گرسنگان دنیا در هند زندگی می‌کنند، کشوری که حدود ۱۹۵ میلیون نفر در آن سوتغذیه دارند. هزاران نفر در روز از سوتغذیه می‌میرند که بیش‌تر آن‌ها هم کودکان هستند. اکثریت مردم هند در فقر زندگی می‌کنند.

ناوینگ گیل در مقاله‌ی خود مشکلات کشاورزی هند را این‌گونه تحلیل می‌کند:

«سیستم غذایی هند از سال ۱۹۵۰ به بعد برمبنای قوانینی و مقرراتی بود که هدف اصلی‌اش کاهش میزان بدبختی به‌جا مانده از دوران استعمار بود. تلاش برآن بود که نیازهای رو به رشد جامعه‌ی از قحطی درآمده را پاسخ دهند و هم‌زمان از ملاکان خرد و بزرگ در هر صورت حمایت کنند. به عبارتی دیگر، دولت مستقل هند تنش میان فراهم کردن حداقل امنیت غذایی ملی و سرمایه‌داری و بهبود وضعیت دهقانان را مدیریت و کنترل کرد به‌جای این‌که آن را کاملاً تغییر دهد.»

از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ تا اواسط دهه ۶۰ هند برای تامین زنجیره‌ی غذایی‌اش کاملاً به کمک‌های غذایی ایالت متحده وابسته بود (PL ۴۸۰ Program). کمیته‌های تولید محصولات کشاورزی (APMCs) اواسط ۱۹۶۰ برای از بین بردن این وابستگی تشکیل شدند. البته این سیستم براساس انقلاب سبزی بود که آمریکا تدارک دیده بود و هدفش افزایش بازده زمین‌های کشاورزی بر مبنای تکنولوژی و سرمایه‌گذاری بود. خطر این سیستم اما این بود که با افزایش بازدهی و در نتیجه افزایش محصولات کشاورزی قیمت این محصولات در بازار به شدت افت می‌کردند، دهقانان فقیرتر می‌شدند و دوباره چرخه‌های بحران غذایی همانند دوران استعمار بریتانیا به وجود می‌آمد.

برای جلوگیری از افزایش عرضه و قحطی، سیستم‌های کنترلی بازار در هند به موازات انقلاب سبزی به کار گرفته شده‌اند: اولین آن‌ها بازارهای دولتی بودند به نام ماندیس (mandis) که برای خرید مستقیم دولت از کشاورزان برپا شده بودند. دولت محصولات اساسی را بر اساس حداقل قیمت تعیین شده خریداری می‌کرد اگر بخش خصوصی (بازار آزاد) حاضر به پرداخت این قیمت برای محصولات مشخص شده نبودند. دومین آن‌ها ساختن زیرساخت‌های ملی توزیع مازاد محصولات بود. اضافه‌ی محصولات بازارهای مختلف توسط شرکت ملی غذایی هند از بازار جمع می‌شد و به مناطقی که تولید غلات در آن بسیار پایین است فرستاده می‌شد. این سیستم جواب داد: انقلاب سبزی بازده کشاورزی را به سرعت افزایش داد. بازارهای دولتی (ماندیس‌ها) از قیل مالیات‌های دریافتی نه تنها توانستند شبکه‌ای از بازارهای محلی محصولات کشاورزی برپا کنند بلکه زیرساخت‌های جاده‌ایی و حمل و نقل محصولات را هم متحول کردند. در نتیجه‌ی این توسعه وابستگی هند به برنامه‌ی خیریه‌ایی غلات ایالات متحده کاملاً از بین رفت و دیگر خبری از قحطی نبود.

این سیستم البته بدون اشکال نبود. فعال محیط‌زیستی واندانا شیوا به‌خوبی معضلات و اثرات مخرب انقلاب سبزی را مستند کرده است و معتقد است که ادامه‌ی انقلاب سبزی در بلندمدت به هیچ عنوان پایدار نیست. ناپایداری محیط‌زیستی مشخصاً همراه بود با بی‌ثباتی اقتصادی. روش آمریکایی و وارداتی کشاورزی در انقلاب سبزی برپایه‌ی افزایش سرمایه است که نتیجه‌ایی جز

افزایش بی‌سابقه بدهکاری کشاورزان نبود. معضلات دیگری هم وجود داشت: با این که قانون حداقل قیمت را برای ۲۳ محصول اساسی اعلام می‌کند تنها محصولاتی که پیش خرید می‌کند گندم و برنج است. اعلام حداقل قیمت بدون پیش‌خرید دولت در حقیقت بی‌معنی است و هیچ ابزار کنترلی‌ای محسوب نمی‌شود. محدودیت‌های زیرساخت‌های هند هم در خیلی نقاط عملاً امکان اعمال این سیستم را از بین می‌برد. همان‌طور که شارما می‌گوید هدف این بود که هر کشاورزی به بازاری محلی در پنج کیلومتری خود دسترسی داشته باشد. این یعنی باید ۴۲ هزار ماندیس در سرتاسر کشور هند برپا می‌شد در صورتی که در طی پنجاه سال گذشته تنها ۷ هزار ماندیس برپا شده است. به همین دلیل است که تا به امروز تنها ۶ درصد کشاورزان هند از قانون حداقل قیمت (MSP) سود می‌برند و ۹۴ درصد بقیه کاملاً به بازار آزاد وابسته‌اند. طرفداران قوانین تصویبی جدید برهمن پایه استدلال می‌کنند که دولت مودی در حقیقت دارد آخرین بندهای وابستگی کشاورزان به دولت را از بین می‌برد تا دسترسی همگانی به بازار آزاد را محیا کند. این جاست که شارما می‌پرسد اگر دسترسی به بازار آزاد برای آن ۹۴ درصد انقدر مفید بوده است چرا از سال ۱۹۹۵ حدود ۳۶۴ هزار کشاورز خودکشی کرده‌اند؟ چرا کشاورزان درخواست می‌کنند دولت سیستم اجرای حداقل قیمت را اصلاح کند و آن را بهتر اجرا کند؟ چرا آن‌ها حداقل قیمت بالاتری می‌خواهند؟ مقایسه با بازار کار در حقیقت وضعیت را برای ما روشن‌تر می‌کند: اگر بازار کاملاً آزاد خوب بود چرا کارگران درخواست اعلام حداقل دستمزد و بیمه‌ی بیکاری دارند؟

سرمایه‌داران خصوصی که منتظرند براساس این قوانین وارد بازار تا بدین‌جا دولتی شوند مدام اعلام می‌کنند که بعد از تصویب این قوانین جدید کشاورزان قطعاً قیمت بالاتری از حداقل قیمت تعیین شده توسط دولت دریافت می‌کنند. شارما باز می‌پرسد که اگر آن‌ها قرار است قیمت بالاتری بپردازند پس چرا با تعیین حداقل قیمت (که پایین‌تر است) انقدر سرسختانه مخالفت می‌کنند. شارما می‌گوید پس چطور است که کشاورزان ایالت باهار^۵ که سیستم APMC اش را در سال ۲۰۰۶ از بین برد و بازار کشاورزیش را کاملاً آزاد کرد گندم و برنج خود را بار کامیون

^۵ Bahar

می‌کنند و برای فروش به هارایانا و پنجاب می‌برند؟ دو ایالتی که حداقل قیمت و بازارهای دولتی هنوز خوب کار می‌کنند؟ بخش خصوصی سیستم APMC را متهم می‌کند که تنها دلالت دولتی هستند که مانع افزایش دستمزد کشاورزان می‌شوند. شارما در ادامه می‌گوید مشکل بخش خصوصی است که می‌خواهد دلالت محلی دولتی را با دلالت جهانی کت و شلوارپوش آمازون و والت‌مارت عوض کند. امثال آمبانی و آدانی مولتی میلیاردرهایی که تجسم سیستم آمریکایی هستند، شهروندان جهانی و خوش‌پوشی که می‌خواهند جای دولت را بگیرند و سلطه‌ی مونوپولی خود را هرچه بیشتر بر جامعه هند عمیق‌تر کنند. اگر این قوانین جدید کشاورزی در هند به اجرا دربیایند، تجارت غلات هند به دست این دو نفر و امپراطوری‌هایشان می‌افتد.

سال‌ها پیش اقتصاددان کشاورزی کانادایی، ایان مک‌کرری، پژوهشی روی سیستم دولتی تهیه و توزیع غلات در هند انجام داده بود. او معتقد است که براساس آمار، سیستمی که در هند از دهه‌ی شصت به کار گرفته شده بود در رسیدن به اهدافش تا حدود بسیاری موفق بوده است و توانسته است امنیت غذایی برای هند به بار بیاورد. ریسک اقتصادی کشاورزی تا بدین‌جا بر دوش دولت بوده است. از یک طرف قیمت‌هایی پایین بین‌المللی محصولات با بازده بالا در هند دولت را مجبور می‌کرد که یا محصولات را در هند انبار کنند که هزینه‌اش برای دولت بالا می‌شد و یا آن‌ها را زیرقیمت صادر کند که ضرر می‌کرد. از طرف دیگر، واردات در سالی که قیمت‌های بین‌المللی بالا است برای دولت بسیار گران تمام می‌شود. مک‌کرری توضیح می‌دهد که هیچ کدام از این مشکلات با خصوصی‌سازی سیستم تهیه و توزیع محصولات کشاورزی از بین نمی‌روند. حتی بعد از خصوصی‌سازی اگر قیمت‌ها انقدر بالا بروند که مردم نتوانند مواد اولیه را تهیه کنند باز هم این دولت است که مسئولیت نجات مردم را برعهده دارد. مک‌کرری معتقد است که بهتر است دولت سیستم حمایتی خود را به مناطق خشک‌تر و سایر محصولات کشاورزی بگستراند. با این کار هم کشاورزان این مناطق و هم مردمی که از سیستم دولتی غذا تهیه می‌کنند وضعیت بهتری خواهند داشت. نگرانی مک‌کرری بیش‌تر از کشاورزان معطوف به

مصرف‌کنندگان هندی بود؛ مردم عادی قطعاً در شرایط بسیار آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند به محض این‌که قیمت‌های جهانی محصولی بالا برود.

دولت هند همه‌ی این ملاحظات را برای سود بیشتر امثال آدانی و آمبانی کنار می‌گذارد و درصدد است برای سرمایه‌ی آن‌ها بازار جدیدی ایجاد کند. مک‌کرری در ادامه می‌گوید: «موقتی از موقعیتی که بازار کنترل شده است و قیمت‌ها در یک بازه‌ی مشخصی تغییر می‌کنند به سمت موقعیتی می‌روید که مستقیماً در معرض بازار جهانی قرار دارید، کسانی که قدرت خرید و فروش در این موقعیت جدید را دارند می‌توانند حسابی سود کنند»

دولتمداران هند برای الگوبرداری به غرب نگاه می‌کنند، این در حالی است که سیستم کشاورزی غربی اصلاً نباید الگویی برای کسی باشد. عواقب وحشتناک خصوصی‌سازی کشاورزی در غرب برای کسانی که فقط به بازدهی کشاورزی نگاه می‌کنند و نه عواقب محیط‌زیستی و اجتماعی خصوصی‌سازی کاملاً پوشیده مانده است. برای مثال می‌توانیم به کانادا نگاه کنیم. خصوصی‌سازی بازار محصولات کشاورزی در هند امروز می‌تواند با خصوصی‌سازی مورد گندم کانادا (CWB) در سال ۲۰۱۲ تحت دولت راست‌گرای هارپر مقایسه شود. CWB در سال ۱۹۳۵ پایه‌گذاری شد، در حقیقت آژانس بازاریابی‌ای بود که خود کشاورزان آن را کنترل و حمایت می‌کردند. هیچ خریداری نمی‌توانست مستقیماً با کشاورزان برای خرید گندم مذاکره کند بلکه محصولات در این مورد یک قیمت مشخص داشتند و تنها از این طریق به فروش می‌رسیدند. درآمد کشاورزان در این مدل بسیار بیش‌تر بود. رئیس قبلی اتحادیه‌ی کشاورزان کانادا اعلام کرد که بر اساس CWB نتیجه‌ی کار کشاورزان مستقیم به دست کشاورزان می‌رسید و آن‌ها میلیون‌ها دلار درآمد بیش‌تری داشتند. درست مثل هند، دولت کانادا برای «افزایش فرصت‌های اقتصادی» دست به خصوصی‌سازی CWB از طریق تصویب سریع قوانین در پارلمان کرد. اعضای منتخب مورد از سمت خود برکنار شدند و همه‌ی دارایی‌های مورد تقدیم صاحبان جدید شدند. گروه سرمایه‌گذاران G³ به نام گروه جهانی غلات (Global Grain Group) بعد از دو سال از خصوصی‌سازی بسیاری از این شرکت‌های سرمایه‌گذاری افزایش سود میلیاردری خود را گزارش کردند.

درست مانند APMC در هند، CWB در کانادا بدون اشکال نبود. بسیاری از کشاورزان معتقد بودند که بدون این سیستم و با اتکا به خودشان درآمد بهتری خواهند داشت. خیلی‌ها هم از عدم شفافیت قیمت‌گذاری در این مورد شاکی بودند. اما همین کشاورزان الان جزو شبکه‌ی شرکت‌های بین‌المللی شده‌اند که هیچ چیزی را اعلام نمی‌کنند و تقریباً هیچ شفافیتی ندارند. اد ساگان (عضو دیگر اتحادیه‌ی کشاورزان کانادا) محاسبه کرده است که از زمان خصوصی‌سازی CWB کشاورزان تقریباً نیمی از درآمد خود را از دست داده‌اند. عددی که سازمان آمار کانادا هم تایید می‌کند. جدولی^۶ که اتحادیه‌ی کشاورزان کشیده، واقعیت تلخ عواقب خصوصی‌سازی در کانادا را به خوبی نشان می‌دهد.

در همین وضعیت است که آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا از هند می‌خواهند که از تولید داخلی کشاورزی خود بکاهد تا بازار بزرگتری برای محصولات کاملاً یارانه‌ای غربی شکل بگیرد. پرابات پاتنیک اقتصاددان هندی به خوبی نشان می‌دهد که «تقاضای دولت‌های امپریالیستی برای کاهش تولید غلات در هند و در عوض واردات آن از این کشورها مدت‌ها است که به دولت هند برای اعمال این قوانین فشار آورده است»

نه کانادا و نه ایالات متحده الگوهای خوبی برای اصلاحات کشاورزی نیستند. درآمد کشاورزان در آمریکا در حال کاهش مدام است و خودکشی در مناطق روستایی رو به افزایش است. با این وجود در سرتاسر آمریکای شمالی و اروپا کشاورزان رایانه‌های هنگفتی از دولت دریافت می‌کنند. در آمریکا هر کشاورز به‌طور میانگین ۶۱۲۸۶ دلار رایانه دریافت می‌کند درحالی که در هند این رقم تنها ۲۸۲ دلار برای هر کشاورز است. کشاورزان هندی هم خودکشی می‌کنند اما هیچ‌وقت امکان ندارد چنین کمکی را دریافت کنند و یا حتی یک دهم مساحت زمینی را داشته باشند که هم‌تایانشان در اروپا و آمریکای شمالی دارند.

مسیر توسعه‌ای که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سال‌هاست به کشورهای در حال توسعه می‌دهد این است که آن‌ها باید جمعیت خود را از روستاها به سمت شهرها بیاورند.

^۶ [cwb-comparison-chart-۲.pdf \(nfu.ca\)](http://cwb-comparison-chart-۲.pdf (nfu.ca))

بسیاری آمدند و در حاشیه‌های شهرها به هر زحمتی بود برای بقای خود جنگیدند. زمانی که همه‌گیری کووید ۱۹ شروع شد، این مهاجران حاشیه‌نشینی که هیچ روشی برای ادامه‌ی بقا نداشتند با پای پیاده مهاجرت معکوس به روستاهایشان کردند، بزرگترین مهاجرت از شهر به روستا در تاریخ جهان. هنوز اما بیش از پنجاه درصد مردم هند از راه کشاورزی امرار معاش می‌کنند. با این وجود تنها ۰٫۴ درصد تولید ناخالص ملی هند در کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌شود. این را مقایسه کنید با ۶ درصد تخفیف مالیاتی که سالانه به شرکت‌های بزرگ در هند داده می‌شود (این رقم حتی با قوانین جدید کاهش مالیات قطعاً بیش‌تر خواهد شد).

پس چه می‌شود کرد؟ چین به تازگی فقر روستایی را ریشه‌کن کرده است. اما این نتیجه‌ی سیستم سیاسی چین است که شاخه‌های حزب حاکم در روستاها مجبور به یافتن راهکارهایی برای افزایش درآمد خانوادگی کشاورزان و پایداری زندگی آن‌ها است. سیستمی که هند در وضعیت کنونی نمی‌تواند پیاده کند. اما این دلیل نمی‌شود که هند نتواند برنامه‌ی مشخص خودش را برای از بین بردن فقر داشته باشد. شارما پیشنهاد می‌دهد که سیستم حداقل قیمت برای محصولات بیشتری اجرا شود، حداقل قیمت‌ها افزایش پیدا کنند و بر روی ماندیس‌ها سرمایه‌گذاری شود تا همه‌ی کشاورزان در پنج کیلومتری خود به آن‌ها دسترسی داشته باشند. در ایالت کِراالا در جنوب هند^۷ حداقل قیمت سبزیجات همیشه ۲۰ درصد بیشتر از قیمت تمام‌شده‌ی محصول است و با این وجود این محصولات در بازار از این هم بیشتر به فروش می‌رسند. در ایالت گوجارات (ایالت مودی) یکی از تعاونی‌های بسیار موفق محصولات لبنی به نام آمول (Amul) توانسته است ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی بسیاری از دامداران را تامین کند. در میان همه‌ی این هیاهوهای که به پا شده است و کمیته‌های ملی‌ای که تشکیل شده است و اقتصاددان‌هایی که مدام از خطرات عقب‌نشینی از اصلاحات می‌گویند، رسیدن به آلترناتیو واقعی به‌نظر بسیار راحت‌تر می‌آید. در دنیای نئواستعماری امروز ما، اگر ما بتوانیم وزنه‌ی استعمار و الگوهایش را از دوش خود برداریم می‌توانیم به راه‌حل‌های بیندیشیم که فرای این ساختارهای استعماری و سرمایه‌داری متاخر خود را به ما عرضه می‌کنند!

^۷تنها ایالت هند که سال‌هاست حزب کمونیست بر آن حکم فرماست.

(دو)

اعتراضات کشاورزان هندی در مورد صنعت کشاورزی در آمریکا و دنیا به ما چه یاد می‌دهد؟

نوشته‌ی ایندرا شخار سینک در ۱ مارس ۲۰۲۱^۸



(۲) اعتراض کشاورزان آمریکایی با تراکتور و حرکت به سمت کاخ سفید. سال ۱۹۷۹

^۸ Indra Shekhar Singh

<https://civileats.com/۲۰۲۱/۰۳/۰۱/op-ed-what-the-farmers-revolution-in-india-says-about-big-ag-in-the-us-and-worldwide/>

تقریباً ۹۰ روز از اعتصاب کشاورزان در مرزهای شهر دهلی می‌گذرد. مناطق مرزی دهلی در طول زمستان میزبان میلیون‌ها کشاورز بود، درست جایی که آن طرف سیم‌خاردارها و بلوک‌های پلیس نیروهای امنیتی ایستاده‌اند و با پهبادهایشان منطقه را زیر نظر گرفته‌اند. آب و برق این مناطق اکثراً قطع شده است و دسترسی به اینترنت بسیار کند و محدود شده است. با این همه انقلاب کشاورزان انگار هرروز دارد بزرگ‌تر و قوی‌تر می‌شود!

این‌جا زمین هنوز مقدس است. جایی که هنوز نیمی از مردمانش مستقیماً متصل به بخش کشاورزی هستند (حدود ۷۰۰ میلیون نفر) و مواد غذایی اولیه‌ای مثل گندم و برنج و حبوبات و سبزیجات تولید می‌کنند. ۸۶ درصد زمینداران خرد هستند. صادرات محصولات کشاورزی هم به تامین بودجه‌ی دلاری هند هم کمک بسیاری می‌کند. محصولات پرارزشی چون برنج باسماتی، چای و ادویه‌ها. برای مثال تنها آمریکا در سال گذشته ۲۷۱ میلیون دلار ادویه و ۲۳۰ میلیون دلار برنج از هند وارد کرده است.

قوانین کشاورزی تصویب شده‌ی دولت مودی که در ادامه‌ی از بین بردن نهادهای کشاورزی در هند در سالیان گذشته است برای اولین بار اجازه می‌دهد که شرکت‌های تجاری و خصوصی زمین‌های کشاورزی را خریداری کنند، یا با کشاورزان به‌طور قانونی برای محصولاتشان قرارداد مستقیم ببندند. هم‌چنین دیگر الزامی برای ذخیره‌ی مواد غذایی در سوله‌های دولتی وجود ندارد. در ادامه خصوصی‌سازی ماندیس‌ها^۹ هم به شرکت‌ها و کشاورزان اجازه می‌دهد بدون پرداخت مالیات این بازارها را کنترل کنند.

بعد از ۲۰۰ سال سلطه‌ی کمپانی هند شرقی بریتانیا و پس از استقلال هند، قانون اساسی هند سعی کرد با دولتی نگه‌داشتن کشاورزی (با مشخص کردن سیستم حداقل خرید محصولات و شبکه‌ایی از توزیع آن‌ها) جلوی مصادره کردن زمین‌های کشاورزی و انتقال آن به شرکت‌های

^۹ Mandis

خصوصی را بگیرد. کشاورزی در هند هنوز تا حدود زیادی زیر نظر مستقیم ایالت‌هاست و هر ایالت می‌تواند براساس شرایط و نیازهای خود قوانین کشاورزی را تغییر دهد.^{۱۰} ()

دولت مودی از وضعیت اضطراری کووید ۱۹ استفاده کرد که بدون مشورت با دولت‌های ایالتی این قوانین را تصویب کند و جلوی چشم همگان قوانینی را که زندگی حداقلی کشاورزان را تامین می‌کند از قانون اساسی هند پاک کند. در همین اثنا دولت مودی به شدت سرگرم دعوت کردن از سرمایه‌گذاران کانادایی و آمریکایی برای ریختن دلارهایشان در بخش کشاورزی هند است. ند پرایس سخنگوی دولت جدید آمریکا هرچند خواستار خویشتن‌داری دولت مودی در برخورد با کشاورزان معترض شد و از زیرپا گذاشته شدن حقوقشان ابراز نگرانی کرد، اما مشخصاً از وضع این قوانین جدید حمایت کرد و اعلام کرد که دولت آمریکا از «هرکاری که باعث افزایش بهره‌وری بازار هند و جذب سرمایه‌ی خصوصی بشود، حمایت می‌کند.»

در این میان شرکت‌های بزرگ جهانی همچون کارگیل هند، تاپسون فود، آدانی و ریلینس همگی حمایت خود را از دولت مودی و این قوانین اعلام کرده‌اند^{۱۱} همه‌ی این شرکت‌ها همچون دولت آمریکا معتقدند که این اصلاحات سبب سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی هند می‌شود و جایگاه بازار محصولات کشاورزی هند را در دنیا به شدت بالا می‌برد.

در این میان اما کشاورزان آمریکایی و اتحادیه‌هایشان حمایت خود را از کشاورزان هند در نامه‌ای اعلام کرده‌اند و اعتراض آن‌ها را حرکتی خواندند که «نیروهای نئولیبرالیسم و سرمایه‌ی جهانی بر ضد کشاورزان عمل می‌کنند و کشاورزان را از آمریکا به هند به هم پیوند می‌دهند.»

^{۱۰} این قوانین بعد از استقلال هند تضمینی برای پیشگیری از قحطی در هند بود. چراکه هند در دوران استعمار بریتانیا همیشه با قحطی‌های مقطعی دست و پنجه نرم می‌کرد. این‌جا محاسبه شده که بین سال‌های ۱۷۵۷ تا ۱۹۴۷ حدود ۱٫۸ میلیارد هندی از شرایط قحطی که دولت بریتانیا در هند ایجاد کرده مرده‌اند. در همین مقاله هم‌چنین محاسبه شده که بریتانیا در دوره‌ی استعمار هند حدود ۴۵ تریلیون دلار از هند غارت کرده است. م

^{۱۱} همه‌ی این میلیاردرهای هندی در کمپین انتخاباتی مودی نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند. م

پلیس دهلی اما در این شرایط فعال محیط زیست ۲۲ ساله‌ای را به جرم اقدام علیه امنیت ملی دستگیر کرده است که تنها کاری که کرده است بازنشر توییت گرتا تورنبرگ بوده است که در آن به لوازم اولیه‌ی مورد نیاز برای ادامه‌ی اعتراضات اشاره شده بود.

در این میان اقتصاددان ارشد صندوق بین‌المللی پول، گیتا گپیناس، ابراز امیدواری کرده است که این اصلاحات به نتیجه برسد «هر زمان که اصلاحاتی جدی قرار است اتفاق بیفتد، دوره‌ی انتقال همیشه هزینه‌هایی دارد!» این هزینه‌هایی که این اقتصاددان مشنگ به آن اشاره می‌کند شامل خودکشی بیش از ۷۰ کشاورز از نوامبر تا اواسط ژانویه و مرگ بیش از ۱۹۴ کشاورز دیگر از زمان شروع اعتراضات است!

کشاورزان معترض هندی با الهام از کشاورزان آمریکایی که در سال ۱۹۷۹ با تراکتور به سمت کاخ سفید حرکت کردند، در روز ۲۶ فوریه ۲۰۲۱، روز استقلال هند، در مسیرهای تعیین شده با بیش از ۱۲۰ هزار تراکتور در پایتخت هند اعتراض خیره‌کننده‌ای را هدایت کردند، اما درست همانند اعتراضات در امریکا گروهی کوچکی که بعداً مشخص شد دست‌نشانده‌های دولت بودند، از مسیر خارج شده و به ارگ قرمز دهلی حمله کردند. حمله‌ای که سبب شد دولت مودی با خشونت بیشتری به اعتراضات کشاورزان و حتی رسانه‌هایی که آن را پوشش می‌دادند حمله کند.

بعد از اتفاقات روز استقلال، تقریباً همه‌ی رسانه‌ای جریان اصلی هند اعتراضات کشاورزان را محکوم کرده‌اند و کشاورزانی که در مرز دهلی تحصن کرده‌اند را تروریست و خائن خوانده‌اند. دولت هند هم از این فرصت استفاده کرد و با زور و ضرب و شتم بسیاری از کشاورزان را از مرز قاضی‌پور و چیلا عقب نشاند. اما بعد از این که یکی از رهبران اتحادیه در یک سخنرانی احساسی نشان داد که افرادی که به ارگ قرمز حمله کرده‌اند غالباً کشاورز نبودند و به نحوی به دولت متصل بودند، کشاورزان بیشتری با انرژی بیشتر به مرزهای دهلی برگشتند.

از آن روز به بعد حتی با وجود سانسور شدید رسانه‌ای میلیون‌ها نفر در سرتاسر هند به خصوص استان‌های اوتارپرادش و پنجاب در شوراها محلی^{۱۲} روزانه جمع می‌شوند و به استراتژی و قدم‌های بعدی فکر می‌کنند. این افراد تا الان قادر شده‌اند روزانه صدها تراکتور غذا، آب، لباس و لوازم اولیه را جمع‌آوری کنند و برای کشاورزان متحصن بفرستند. افراد خانواده‌های کشاورزان در روستاهای اطراف دهلی نوبتی به متحصنین می‌پیوندند و در کارهای روزانه شرکت می‌کنند. هم‌کاری صدها هزار نفر با همدیگر تا الان توانسته است این اعتراضات را زنده نگه دارد.

صدها کشاورز همچنان در زندان‌های هند برای این اعتراضات بدون دادگاه حبس شده‌اند. نیروهای امنیتی سرویس اطلاعاتی هند مشخصاً در میان کشاورزان نفوذ کرده‌اند و با دوربین‌ها و پهبادها همه‌ی حرکات آن‌ها را زیر نظر دارند. پلیس دهلی هم هر روز برای بسیاری از کشاورزان و خانواده‌های آنان پرونده باز می‌کند و آن‌ها را از عواقب سختی که در انتظارشان هست می‌ترساند. در شب ۲۷ ژانویه طرفداران «خودجوش» مودی به کشاورزانی که در مرز قاضی‌پور تحصن کرده بودند حمله کردند. درست در همین موقع تمامی دوربین‌های امنیتی خاموش شد و پلیس به هیچ‌عنوان جلوی این چماق به دستان را نگرفت. خبرنگاران زیادی که برای گزارش به میان این کشاورزان رفته بودند هم دستگیر شدند.^{۱۳}

در زمانی که هند مستعمره‌ی کمپانی هند شرقی بود، کشاورزان مجبور بودند محصولات خاصی از جمله خشخاش، گیاه رنگ کیبود و پنبه بکارند. این محصولات هیچ‌کدام ارزش غذایی نداشتند و تنها برای صادرات و گسترش امپراطوری بریتانیا مورد استفاده قرار می‌گرفت.^{۱۴} بعد از استقلال هند، و با شیوع انقلاب سبز، کشاورزی هند به شدت به شرکت‌های آمریکایی وابسته شد. از جمله UCC [American Union Carbide Corporation] که

^{۱۲} Panchayat

^{۱۳} خبرنگاران نیوزکلیک که یکی از معدود رسانه‌هایی بود که از اول اعتراضات آن را مستقیم و با ویدیوهایی از میان معترضان پوشش می‌داد دستگیر شدند و به مرکز و خانه‌هایشان به‌طور هماهنگ حمله شده است. م.
^{۱۴} یکی از مهم‌ترین دلایل قحطی‌های متعدد و گسترده در هند در زمان استعمار بریتانیا. م.

آفت‌کش شیمیایی تولید می‌کرد و مسئول فجیع‌ترین حادثه‌ی صنعتی در تاریخ جهان در سال ۱۹۸۴ در بوپال هند شد.^{۱۵}

UCC شروع حضور کارخانجات آمریکایی در هند بود. پس از آزادسازی بازار هند اوایل دهه نود بقیه شرکت‌های عظیم کشاورزی به بازار هند هجوم آوردند. در سال ۱۹۹۹ شرکت‌های آمریکایی مثل کارگیل [Cargill] و ADM [ArcherDaniels Midland] (ADM) مقادیر زیادی روغن‌های آشپزی وارد بازار هند کردند که باعث افت زیاد قیمت‌ها و بدبخت شدن تعداد زیادی از کشاورزان شد. این شرکت‌های عظیم برعکس کشاورزان هندی می‌توانند تا مدت‌ها ضرر خود را جبران کنند تا بازار را در دست بگیرند. همه‌ی این کارها باعث کاهش مدام قیمت‌های محصولات کشاورزی، زیر بار قرض رفتن میلیون‌ها کشاورز خرد و در نتیجه خودکشی تعداد زیادی از کشاورزان شده است.^{۱۶}

کشاورزان هند در سه نسل گذشته متناوبا در یک جنگ فرسایشی با شرکت‌های مختلفی برای از دست ندادن حداقل‌های زندگی خود بوده‌اند، از کمپانی هند شرقی تا UCC تا مونسانتو [Monsanto] و کارگیل. برای همین وقتی پارلمان هند با عجله این قوانین را تصویب کرد کشاورزان دقیقا می‌دانستند که چه در انتظارشان است، قوانینی که قرار است کشاورزی هند را زیور و کند و زندگی نزدیک به ۷۰ درصد مردم هند را تحت تاثیر قرار دهد.

کشاورزان هند دشمنان‌شان را می‌شناسند. آن‌ها نه تنها دولت مودی را بلکه میلیاردهای پشت سرش را هم هدف قرار داده‌اند زیرا به خوبی می‌دانند که برنده‌ی اصلی این قوانین سه‌گانه همان‌ها هستند. آن‌ها از مردم خواسته‌اند که موکش آمبانی و گاتوام آدانی [Mukesh Ambani and Gautam Adani] (که به راکفلر مودی مشهورند) را تحریم کنند. از سوپرمارکت‌هایشان و پمپ‌بنزین‌هایشان چیزی نخرند. آمبانی و گروه ریلاینس اش پر از

^{۱۵} جایی که نشت مواد سمی از کارخانه حدود سه هزار و پانصد نفر از کارکنان کارخانه را کشت و بیش از سیصد هزار نفر را مسموم شیمیایی کرد و مسئولین آمریکایی آن هیچ‌گاه محاکمه نشدند. م

^{۱۶} اداره آمار جرم و جنایت هند اعلام کرده است که از سال ۱۹۹۵، ۲۹۶۴۳۸ کشاورز خودکشی کرده‌اند که نزدیک به ۶۰ هزار نفر فقط در ایالت ماهاراشترا بوده است. آمارهای دیگر در سال ۲۰۱۸ از خودکشی متوسط ۱۰ کشاورز در روز خبر می‌دهد. م

سهام‌داران بین‌المللی] such as BlackRock, Fidelity, and Goldman Sachs] است که همگی این سهام‌داران دستی در بازار مواد غذایی در دنیا دارند. از آن طرف گروه صنعتی آدانی برای خود امپراطوری مواد غذایی تشکیل داده است و ردپایش در تقریباً همه‌ی مواد غذایی درهند از سیب تا روغن آشپزی دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد که دولت هند عجله‌ای برای اعمال قوانین تایید شده‌ی کشاورزی ندارد. مشاوران دولت مودی مدت‌هاست که دارند برای این قوانین و تغییر بنیادی کشاورزی در هند برنامه‌ریزی می‌کنند و در سال ۲۰۱۷ بنیاد ملی برای تغییر در هند (یک مرکز مشاوره‌ی دولتی) گزارشی تهیه کرد برای تغییر در سیستم کشاورزی هند که این قوانین به عنوان اولین قدم برای دوبرابر کردن درآمد کشاورزان در آن‌جا مفصل توضیح داده شده‌اند. نتیجه‌گیری این گزارش بر مبنای هل دادن کشاورزان به کاری غیر از کشاورزی بود. این نتیجه‌گیری دقیقاً منطبق بر گزارش کمیته‌ی توسعه‌ی اقتصادی برای کشاورزی آمریکا است که در سال ۱۹۶۰ از کشاورزان «اضافه» به عنوان نیروی کار برای گسترش نیروی کار دیگر صنایع نام برده بود، صناعی که سودآوری بسیار بیشتری از کشاورزی دارند.

بر اساس دیپلماسی کشاورزی آمریکا در سال ۱۹۶۰ (غذا برای صلح) هند یکی از دهه‌ها کشوری بود که از آمریکا گندم وارد کرد. ولی با وارد کردن گندم هند هم مجبور شد تن به برنامه انقلاب سبز آمریکا و صنعتی کردن کشاورزی‌اش براساس دانه‌های ژنتیکی آمریکایی بدهد. گزارش‌های لیندون جانسون نشان می‌دهد که دولت آمریکا به دقت وضعیت آب و هوایی و بارش‌های استوایی هند را برای دهه‌ها تحت نظر داشته است. ردپای دولت آمریکا در همه‌ی قوانین کشاورزی هند تا به امروز کاملاً مشخص است: از قوانین مرتبط با بذره‌های کشاورزی تا تعیین حداقل قیمت برای محصولات (MSP) یا یارانه‌های اختصاص داده شده به کشاورزان.

حداقل قیمت تعیین شده برای محصولات کشاورزی یا MSP از ابتدا یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی بوده که اعتراضات اخیر حول آن شکل گرفته است. قانونی که تضمین‌کننده‌ی فروش عادلانه‌ی محصولات کشاورزان در بازار است. کشاورزان سال‌هاست از دولت خواسته‌اند که

MSP را تبدیل به حق قانونی کشاورزی در هند بکند که در نتیجه‌ی آن هیچ محصولی به هیچ عنوان زیر این قیمت فروخته نشود. آن‌ها همچنین خواستار آنند که قیمت محصولات با توجه به نوسانات بازار سالانه مرور و به‌روز شود. هر سال دولت هند قیمت ۲۰ محصول را اعلام می‌کند اما در نهایت تنها چند محصول اساسی را برای انباشت انبارهای عمومی می‌خرد. در نتیجه تنها ۶ درصد از کشاورزان هند هم اکنون محصولات خود را به قیمت تعیین شده‌ی MSP می‌فروشند و بقیه محصولات خود را زیر این قیمت به بازار عرضه می‌کنند.

MSP در هند از سوی دکتر فرانک پارکر، مسئول بخش کشاورزی هند در دهه پنجاه در [U.S. Agency for International Development] USAID^{۱۷} معرفی شد. برعکس هند، خود آمریکا به جای اعلام حداقل قیمت یارانه‌های مستقیم به کشاورزان می‌دهد^{۱۸}. قانون بذرهای هند در سال ۱۹۶۶ و قوانین مربوطه در سال ۱۹۶۸ هم مستقیم از دل وزارتخانه‌ی کشاورزی آمریکا به هند دیکته شده است. قوانینی که بسیار شبیه به همان قوانین آمریکا در آن دهه هستند. جای تعجب نیست که دعوای قانونی بین شرکت‌های بزرگی مثل مونسانتو/بایر [Monsanto/Bayer] و اتحادیه‌ی کشاورزان هند بر سر مالکیت حقوقی رشد و دستکاری بذرها همچنان ادامه دارد! درحدی که کمیته‌ی رقابت آزاد در هند در حال حاضر مشغول تحقیق درباره‌ی شیوه‌های تجارت ناعادلانه‌ی شرکت مونسانتو/بایر است.

با در نظر گرفتن روند تحولات قوانین کشاورزی هند در پنجاه سال گذشته، نقش آمریکا در هدایت کشاورزی هند به سمت خصوصی‌سازی و وارد ساختن شرکت‌های بزرگ کشاورزی بسیار مشخص است. این روند کاملاً هماهنگ با وضعیت کشاورزی در خود آمریکاست. کافیست مخصصه‌ای که کشاورزان آمریکا و خانواده‌هایشان سال‌ها گرفتارش بودند را در نظر بگیرید: به همه‌ی آن‌ها مستقیم یا غیر مستقیم گفته شده است که یا تبدیل به شرکت‌های بزرگ بشوید یا

^{۱۷} امروزه دیگر همه می‌دانند که این مرکز زیر برچسب توسعه، برنامه‌های امپریالیسم آمریکا رو مستقیم در بسیاری از کشورها هدایت می‌کند. نگاه کنید به هاییتی و اخیراً ونزوئلا! م.

^{۱۸} این تفاوت خیلی مهم است. جایی که امپریالیسم حتی حداقل سیاست‌های رفاهی که در سیطره‌ی مستقیم خود اعمال می‌کند برای جهان سوم بر نمی‌تابد. م.

از کشاورزی برید بیرون! این جاست که متوجه می‌شوید چرا کشاورزان هندی بر موضع خود با جانشان پافشاری می‌کنند. آن‌ها به خوبی از سرنوشت هم‌تایان آمریکایی خود با خبر هستند که حتی از جوامع محلی‌شان هم تقریباً چیزی باقی نمانده است.

کشاورزان آمریکایی در سیستمی گیر افتاده‌اند که از اساس بر پایه‌ی مونوپولی تنظیم شده است. تنها چهار شرکت مواد غذایی در آمریکا حدود ۸۴ درصد شبکه غذایی آمریکا را در اختیار دارند. اما وحشتناک‌تر این که همین چهار شرکت نزدیک به ۸۰ درصد تمامی غلات دنیا را کنترل می‌کنند. شرکت‌های غول‌آسای کشاورزی در حقیقت هرچیزی که مربوط به محصولات غذایی باشد را در اختیار دارند و همه‌ی زنجیره‌ی غذایی ما را مدیریت می‌کنند: از بذر تا آفت‌کش محصولات و کود شیمیایی، وام‌ها و بانک‌های کشاورزی و حتی سوپرمارکت‌ها را. در حالی که مردم آمریکا نزدیک به ۵۰ درصد غذای خود را دور می‌ریزند، گرسنگی در دنیا رو به افزایش است و در همین حال است که سود این شرکت‌ها پیوسته افزایش پیدا می‌کند.

کشاورزی بر مبنای رویای آمریکایی چنین بلایی را بر سر کشاورزان آمریکا آورده است و پر بیراه نیست اگر بگوییم مودی هم در سر چنین سناریویی را برای کشاورزان هندی می‌پروراند. اما به نظر نمی‌رسد که کشاورزان هندی از موضع خود کوتاه بیایند و از مرز دهلی عقب‌نشینی کنند، حتی اگر سال‌ها طول بکشد! آن‌ها می‌خواهند که دولت مودی این قوانین را خط بزند، و در آینده نمایندگان کشاورزان در هر کمیته‌ای که قرار است برای آینده‌ی کشاورزی هند تصمیم بگیرد حضور داشته باشند. آن‌ها می‌خواهند که قوانین برای کشاورزان باشد و نه شرکت‌های غول‌آسایی که خون کشاورزان را در شیشه می‌کنند.

(سه)

دهقانان ثروتمند، نقشه‌ای جهانی و حماقت محلی گرایی

نوشته‌ی پ. ساینات در ۴ فوریه ۲۰۲۱^{۱۹}



(۳) تصویری از بستن جاده توسط پلیس به روی دهقانان در مرز دهلی

دولت هند آب ، برق و اینترنت را به روی صدها هزار از اعتصاب‌کنندگان قطع کرده است. در شرایطی که سکونت کشاورزان در اطراف دهلی بسیار غیربهداشتی است و با بستن راه‌های دسترسی به محل استقرار اعتصاب‌کنندگان امکان حضور خبرنگاران سلب شده است.

تا الان نزدیک به دویست نفر از کشاورزان در طول این سه ماه کشته شده‌اند.

در عوض، فضای رسانه‌ای در هند به شدت به محکوم کردن امثال ریپانا و گرتا برای اعلام همبستگی با اعتصاب‌کنندگان می‌پردازد و کشاورزانی که مدت‌هاست در مرز دهلی به سنت اعتراضات گانندی بست نشسته‌اند را مزدور و خائن به ملت هند می‌خوانند. در این میان سکوت

^{۱۹} P.Sainath

<https://thewire.in/rights/farmers-protest-modi-government-gulag>

افرادی که در همه‌ی موقعیت‌های دیگر دهانشان برای دفاع از هند و دموکراسی‌اش باز است کر کننده شده است. این‌ها دقیقا می‌دانند که مشکل چیست و چگونه می‌توان آن را حل کرد: آن‌ها می‌دانند که دولت راست افراطی مودی هیچ‌گاه با هیچ یک از اتحادیه‌های کارگری برای تصویب این سه قانون مشاوره نکرده است. آن‌ها می‌دانند که حق با کشاورزان است ولی نمی‌توانند از سیاه‌لشکری دولت حداکثری و هندوناسیونالیستی مودی دست بکشند، دولتی که برای تصویب این قوانین در اوج همه‌گیری کرونا حتی با نزدیک‌ترین این افراد هم مشاوره نکرده است و عجولانه همه‌ی این قوانین را تصویب کرده است به امید این که کرونا مانع از اعتراض شود. اما به نظر می‌رسد که حزب مودی (بی‌جی‌پی) [BJP] دارد تقاضای این تصمیم را بیش‌تر از آن چه به نظر می‌رسد می‌دهد.

تا این‌جا اما اعتراضات نه تنها از بین نرفته است که دامنه‌اش به بقیه‌ی بخش‌ها هم کشیده شده است. اعتراضات در اوتار پرادش^{۲۰} و اعتراضات مختلف صدها هزار نفر در سرتاسر ماهاراشترا^{۲۱} در ۲۵ نشان از محدود نبودن اعتراضات به تحصن در مرز دهلی و به دو ایالت پنجاب و هاریانا دارد. تظاهرات حتی به راجستان، کارناتا‌کا (جایی که از ورود کشاورزان با تراکتورهایشان به مرکز ایالت -بنگلور- جلوگیری شد) و سایر ایالات هند هم کشیده شده است.

در پنجاب تقریباً همه با تظاهرات کشاورزان و اعتصاب‌کنندگان احساس هم‌بستگی می‌کنند، خیلی‌ها منتظر فرصتی هستند تا به آن‌ها بپیوندند. کار به جایی رسیده است که حزب بی‌جی‌پی برای انتخابات محلی در پنجاب به سختی توانست کاندیدایی پیدا کند زیرا که اعضای حزب بی‌جی‌پی در پنجاب از علنی کردن عضویت خود خودداری می‌کنند! جوانان پنجاب هرروز به آهنگ‌هایی که برای اعتصاب‌کنندگان بیرون میاید گوش می‌کنند و بیش از بیش از دولت مودی و حزب بی‌جی‌پی دورتر و دورتر می‌شوند. در هاریانا که بی‌جی‌پی قدرت را در دست دارد فرماندار

Uttar Pradesh: ^{۲۰} پرجمعیت‌ترین ایالت هند و نزدیک‌ترین به دهلی

Maharashtra: ^{۲۱} ایالتی که بیشترین آمار خودکشی کشاورزان را دارد و کشاورزان سال‌هاست برای بخشیده شدن قرض‌های کمرشکن تظاهرات و پیاده‌روی برگزار می‌کنند.

ایالتی تقریباً نمی‌تواند در هیچ جلسه و کمپینی شرکت کند و ایالت در یک بن‌بست سیاسی قرار گرفته است.

قوانین سه‌گانه کشاورزی دولت مودی و اتفاقات بعد از آن و عدم عقب‌نشینی کشاورزان از خواست‌هایشان تا بدین جا نتیجه‌ایی غیرقابل باور داشته است: توانسته است نیروهای مختلف و رنگارنگ جامعه‌ی هند را متحد کند، کشاورزان را با بخش زیادی از کارگران (و از میانشان حتی طرفداران سنتی حزب دست راستی بی‌جی‌پی) را بهم نزدیک کند. از این مهم‌تر اما اتحاد مسلمانان با سیک‌ها و هندوها و جات‌ها (زط‌ها) و غیره در دورانی است که سیاست‌های هندوناسیونالیستی مودی به شکاف اجتماعی عمیقی در هند منجر شده بود.

طرفداران این «قوانین سه‌گانه» و «دموکراسی هندی» در این مدت همواره بر این تاکید داشتند که تظاهرات کنندگان فقط از هاریانا و پنجاب هستند و اصلاً بقیه‌ی هند با این قوانین همدل هستند... در ادامه هم تاکید می‌کنند که این‌ها همه «کشاورزان پولدار» هستند که علیه اصلاحاتی که کشاورزی عقب‌مانده هند نیاز دارد ایستاده‌اند و این اصلاحات در حقیقت به نفع کشاورزان فقیر هندی است. جالب این‌جاست که براساس آخرین سرشماری ملی در هند میانگین درآمد یک خانواده کشاورز در پنجاب ماهیانه ۱۸۰۵۹ روپیه است. میانگین تعداد اعضای خانواده یک کشاورز در همین ایالت ۵٫۲۴ نفر است. در حقیقت درآمد ماهیانه هر نفر تنها ۳۴۵۰ روپیه است، بسیار کمتر از حداقل درآمد در بخش رسمی^{۳۲} در هاریانا این رقم برای هر فرد ۲۴۵۰ روپیه است (۱۴۴۳۴ روپیه درآمد خانوار با میانگین هر خانوار ۵٫۹ نفر). البته این درست است که به‌خاطر صنعتی شدن (انقلاب سبز) این ارقام بسیار پایین در این دو ایالت بیشتر از ایالات دیگری مثل گوجارات است که سهم هر فرد از خانواده‌ی کشاورزان در ماه تنها ۱۵۲۴ روپیه است (میانگین ۷۹۲۶ برای هر خانوار با میانگین هر خانوار ۵٫۲ نفر). در کل هند این میانگین ۶۴۲۶ روپیه است. تقریباً ۱۳۰۰ برای هر نفر از خانواده. ناگفته نماند که این درآمد، درآمد خانواده‌ی کشاورزان از هرکاری است که انجام می‌دهند و نه فقط کشاورزی (که شامل دامداری

^{۳۲} حداقل درآمد در هند ۴۵۷۶ روپیه است. م.

و هر نوع درآمد غیرکشاورزی مثل کارگری فصلی هم می‌شود). این وضعیت کشاورزان هند طبق آخرین سرشماری ملی است (۲۰۱۳). یادمان نرود که دولت کنونی هند قول داده بود که درآمد کشاورزان را تا سال ۲۰۲۲ دوبرابر کند!! همان کشاورزان پولداری که در مرز دهلی در دمای دو درجه روی ترولی‌های آهنی می‌خوانند و در فضای باز در دمای ۵ درجه حمام می‌کنند!

همه‌ی کارهایی که دولت هند تا این‌جا انجام داده است تا از مشروعیت این تظاهرکنندگان بکاهد و آن‌ها را متفرق کند اما همه‌ی این‌ها تنها باعث شده است که بر تعداد متحصنین در مرز دهلی روز به روز افزوده شود. هرکاری که دولت می‌کند با حمایت رسانه‌های جریان اصلی روبه‌رو می‌شود، به آن پروبال می‌دهند و تحلیل می‌کنند. اما درحقیقت تا این‌جا نتیجه‌ی معکوس داشته است. همه‌ی ما می‌دانیم که این باعث نخواهد شد که دولت مودی از هرکاری که باید برای سرکوب وحشیانه‌ی کشاورزان دست بکشد و این بسیار ترسناک است.

به‌نظرم همه می‌دانند^{۲۳} که این انسداد سیاسی نتیجه‌ی مستقیم خودمخوری و ایگوی شخص مودی است. چرا که مسیرهای بسیاری برای اعمال این قوانین در آینده وجود دارد. مودی حتی می‌تواند قول و قرارهایش با میلیاردرهای عزیزش را از سمت و سوی دیگری پیگیری کند. همه می‌دانند که پادشاه نمی‌تواند قبول کند اشتباه کرده است، حتی اگر همه‌ی کشاورزان سرزمین دست از کار بکشند. همه می‌دانند که شخص مودی نمی‌تواند شکست را بپذیرد زیرا تمام این سال‌ها قدرت مودی به تصویری بوده که از خودش و حزبش ارائه می‌کرده است)

^{۲۳} اشتباه استراتژیک نویسنده در تحلیل قدرت سیاسی در هند به حزب مودی و راست‌گرایی افراطی. گویی با این فروکاستن تحلیل به یک شخص و حزب می‌توان چشم‌انتظار معجزه‌ای در انتخابات بعدی بود. در صورتی که سیستم سیاسی سرمایه‌داری هند خود دلیل اصلی سربرآوردن شخصیتی فاشیستی همانند مودی است. درست همانند برآمدن ترامپ در آمریکا و گسترش فاشیست هویت‌گرا.

اعتراضات کشاورزان در هند: درس‌هایی برای کارگران

جای ویپرا در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۰^{۲۴}



حداقل صدها هزار نفر کشاورز هندی ماه‌هاست که دهلی را محاصره کرده‌اند. هزاران نفر دیگر هم درصددند که به آن‌ها بپیوندند. پس از ماه‌ها اعتراضات بی‌پاسخ کشاورزان در نقاط مختلف هند، کشاورزان معترض مجبور شدند از این تاکتیک استفاده کنند. این مقاله مقدمه‌ای است برای توضیح دلایل این اعتصابات، نقش چپ هند و درس‌هایی که ما از این مبارزه برای مبارزه‌ی جهانی ضد نئولیبرالیسم می‌توانیم فرا بگیریم.

این اعتراضات در پس زمینه یک بحران طولانی مدت در کشاورزی هند اتفاق می‌افتد، جایی که درآمد کشاورزان بین سالهای ۱۲-۲۰۱۵ و ۱۶-۲۰۱۵ سالانه تقریباً ۱,۳۶ درصد کاهش یافته است. اقدامات دولت مودی، از جمله کاهش ارزش پول ملی، رژیم مالیاتی ناقص کالا و

^{۲۴} Jai Vipra

<https://legalform.blog/۲۰۲۰/۱۲/۲۸/the-farmers-protests-in-india-lessons-for-marxists-jai-vipra/>

خدمات و تهدید اقتصاد دام با ممنوعیت ذبح گاو در بسیاری از ایالت ها، این بحران را عمیق تر کرده است. اما مشکل بی توجهی دولت به کشاورزی، که یکی از عوامل کاهش دستمزد کشاورزان است، بسیار قدیمی تر است.

قوانین کشاورزی جدید و منافعی که آن‌ها را پیش می‌برند:

این اعتراضات اساساً علیه سه قانونی است که برای اولین بار در ژوئن سال جاری به عنوان مصوبه ای خارج از مجلس مطرح شد. دولت مودی در ادامه این قوانین را بدون طی مراحل قانونی با سرعتی بی سابقه به تصویب رساند بدون این که به نمایندگان پارلمان امکان ثبت رای خود را بدهد. این قوانین به طور مشخص کل زنجیره تامین کشاورزی هند را تحت تاثیر قرار می‌دهد، از ورودی های مزرعه تا خرده فروشی مواد غذایی تا توزیع سبد غذایی. به عنوان مثال، این اقدامات محصولات کشاورزی را وارد بازار آزاد می‌کند و امکان احتکار محصول و قیمت گذاری بی پایه را با برداشتن حداقل قیمت‌ها در اختیار بخش خصوصی می‌گذارد. این سه قانون هم‌چنان سیستم توزیع دولتی برای مواد غذایی و ضمانت خرید محصولات کشاورزی که وجود دارد را کاملاً حذف می‌کند. آزادسازی قیمت‌ها و تایید ورود بازار خصوصی به بخش کشاورزی هم‌چنین به این معنی است که "کشاورزی قراردادی" - یعنی مذاکرات و قراردادهای مستقیم بین کشاورزان و فعالان شرکت‌ها - می‌تواند خارج از حوزه قانونگذاری دولتی انجام شود و دولت هیچ نقشی در آن نداشته باشد.

دو رکن مهم کشاورزی در هند حداقل قیمت پشتیبانی از محصولات مشخص (MSP) و سیستم توزیع عمومی (PDS) است. دولت حداقل قیمت پشتیبانی از محصولات مشخص را برای لیست مشخصی از محصولات پایه‌ای اعلام کرده و آنها را از کشاورزان خریداری می‌کند. برخی از این محصولات سپس با سوبسید فراوان از طریق سیستم توزیع عمومی در بین مردم در سرتاسر هند توزیع می‌شود. نیمی از جمعیت شهری و ۷۵ درصد جمعیت روستایی، براساس درآمد سالانه، تحت قانون امنیت ملی غذا (۲۰۱۳) به نحوی به مزایای ارائه شده در سیستم PDS وابسته هستند. این نحوه‌ی توزیع و ضمانت خرید دولت به کشاورزان بر اساس MSP،

به حفظ نوسان قیمت مواد غذایی کمک می‌کند. اگرچه این سیستم مشکلات فراوانی دارد ولی حداقل این بازارهای تنظیم شده برای تولید عمده، برخی کشاورزان را از استثمار شرکت‌های بزرگ و بازرگانان دور ننگه می‌دارد.

مدت‌هاست که این سیستم مورد حمله منافع امپریالیستی قرار گرفته است. خودکفایی هند در غذا، و تلاش‌های آن برای جهانی سازی امنیت غذایی، توسط WTO (سازمان تجارت جهانی) توسط ایالات متحده و متحدان آن نادیده گرفته شده است. این کشورها استدلال می‌کنند که اقداماتی مانند ذخیره‌ی غذای ملی توسط دولت "ضد تجارت" است. علیرغم یارانه گسترده‌ای که خود کشورهای غربی به کشاورزان داخل سرزمین‌های خود می‌دهند، کشورهای امپریالیستی با تلاش برای پایان دادن به همه مداخلات دولتی در بازارهای مواد غذایی در جهان در حال توسعه، به دنبال دسترسی بیشتر به بازارهای این کشورها هستند. به صورت تاریخی هند همیشه در مقابل این تلاش ایستاده است.

چالش دیگری که برای سیستم کشاورزی در هند وجود دارد، از طرف طبقه سرمایه‌داران بزرگ خود است. این طبقه اخیراً تلاش خود را برای تضعیف و از بین بردن مقررات هر بخشی از سیستم را به منظور تسخیر کل زنجیره ارزش کشاورزی تشدید کرده است. از بازارهای بذر گرفته تا فروشگاه‌های مواد غذایی، این سه قانون همه‌ی قسمت‌های بخش کشاورزی را برای انباشت سرمایه‌دارانه آزادسازی می‌کند.

بحران عمیق کشاورزی هند:

شکی نیست که سیستم کشاورزی در هند نیاز به تغییرات اساسی دارد. مدت‌هاست که کشاورزی به فعالیتی بدون پاداش و سود تبدیل شده است به‌خصوص برای ۸۶ درصد کشاورزان که خرد و حاشیه‌ای هستند. این بخش سالهاست که رشد کندی داشته است. دولت اشتباه نمی‌کند وقتی ادعا می‌کند که مردم باید از کشاورزی و بازار کشاورزی خارج شوند، و این قوانین جدید مطمئناً روند خروج از کار کشاورزی (یا لغو آن) را تسریع می‌کند. اما از نظر انتقادی، دولت برنامه‌ای برای جذب این افراد به هر نوع شغل دیگری، چه در شهرها و چه در روستاها ندارد.

این دولتی است که بطور فعال شرکت‌های تولیدی ملی را خصوصی می‌کند و هیچ برنامه‌ی عملی برای صنعتی سازی اقتصاد هند ندارد. برنامه صنعتی‌سازی این دولت اساساً فقط از شعار تشکیل شده است. هیچ راه‌حلی برای اشتغال غیر کشاورزی در روستاها ندارد و در واقع با سیاست‌های اقتصادی نابخردانه‌ی خود در کاهش درآمد روستاییان خارج از بخش کشاورزی سهیم بوده است. آینده‌ای که ما به آن خیره شده ایم، اگر این دولت بخش کشاورزی را به دست شرکت‌های بزرگ بسپارد، "پرولتریزاسیون"^{۲۵} یا تحول ساختاری جامعه به سمت صنعتی شدن نخواهد بود، بلکه سیاستی است که میلیون‌ها نفر را به سمت فقر بیشتر و بیکاری سوق خواهد داد.

یکی دیگر از مشکلات شناخته شده در زمینه کشاورزی هند این است که حداقل قیمت پشتیبانی از محصولات مشخص (MSP) در واقع برای کشاورزان هندی سودی ندارد و کارکرد خود را به عنوان جهت‌دهنده‌ی بازار از دست داده است. این بدان معنی است که ارزش آن به عنوان "حداقل" قیمت برای کشاورزان قابل توجه نیست. این امر تا حدی به این دلیل است که دولت از خرید محصولات مختلف در بسیاری از ایالت‌ها به شدت کاسته است، که در حقیقت MSP را بی‌معنا کرده است. خریدهای دولتی تقریباً پنج درصد از کل فروش کالاهای کشاورزی را تشکیل می‌دهد. افت بیشتر در خرید محصولات کشاورزی توسط دولت زنگ خطری است برای سیستم توزیع عمومی، که میلیون‌ها هندی برای زنده ماندن به آن وابسته هستند. از جمله بسیاری از کشاورزان که برای تامین سبد غذایی خود به این سیستم وابسته‌اند.

مشکل دیگر این است که بیشتر بازارهای عمده فروشی دولتی غالباً توسط بازرگانان و زمین‌داران محلی که قیمت‌ها را به کشاورزان دیکته می‌کنند و از نفوذ سیاسی برخوردار هستند، تسخیر شده است. اما مهم است که بدانیم این بازارها می‌توانند از طریق تغییر در مجوز، اعتباردهی و ایجاد انبارهای مناسب ذخیره‌سازی اصلاح شوند.

^{۲۵} فرآیند کارگر شدن

اعتراضات و بست‌نشینی اخیر کشاورزان چه درسی برای ما دارد؟

به طور خلاصه، اگرچه در کشاورزی هند مشکلات طولانی مدت وجود دارد، این سه قانون به هیچ کدام آن‌ها به‌طور انضمامی و براساس نیاز تولیدی پاسخ نمی‌دهد. باز کردن بازار کشاورزی به این روش به هیچ کدام از مشکلات ذکر شده پاسخ نمی‌دهد. در یکی از اعتراضات در بمبئی، یکی از رهبران کشاورزان توضیح داد که واگذاری بخش کشاورزی به بخش خصوصی به چه معناست: یک شرکت بزرگ می‌تواند بیاید و محصول را از همه با قیمت ۱۵ روپیه برای هر کیلوگرم به جای قیمت مشخص ۱۰ روپیه خریداری کند. به دلیل سرمایه‌ی زیادی که این شرکت دارد می‌تواند با ادامه‌ی این روش بقیه‌ی شرکت‌ها و تجار خرد را از بازار خارج کند، کشاورزان را وابسته به خود نگه‌دارد و در آخر برای محصول نهایی که ۵۰ روپیه می‌فروشد تنها ۵ روپیه به کشاورزان بدهد.

این مثال ساده روند انحصار با ایجاد تخفیف زیاد را نشان می‌دهد. همچنین اولین درس این اعتراضات را: یک جنبش ضد نئولیبرالی موثر می‌تواند، حداقل در حاشیه‌های جهانی، توسط افراد سازمان یافته‌ای که مستقیماً تحت تأثیر سیاست‌های نئولیبرال قرار دارند، ساخته و پرداخته شود. اگر کارگران سازمان‌یافته و متحد شوند چنین جنبشی در دستان ماست. حتی با این‌که اتحادیه‌های کارگران صنعتی در هند بسیار ضعیف شده‌اند، همستگی خود را با کشاورزان نشان داده‌اند و بزرگترین اعتصاب سراسری را با هماهنگی اتحادیه‌های دهقانان رقم زده‌اند. این نشان می‌دهد که وحدت کارگران و دهقانان حتی تحت تأثیر شرایط ایدئولوژیک بسیار وخیمی که نئولیبرالیسم در سرتاسر جهان به وجود آورده است، هنوز هم ممکن و ضروری است.

درس دوم این است که حتی یک دهقان جداافتاده نیز می‌تواند با جنبش‌های مسئله‌محور متحد شود. کشاورزان هندی از نظر طبقاتی و کاستی از یکدیگر جدا هستند - کشاورزان سرمایه دار،

زمین‌داران، کشاورزان مساقاتی^{۲۶}، کشاورزان خرد، کارگران کشاورزی و غیره. بسیاری از آنها روی زمین های خودشان و همچنین روی زمین‌های کشاورزان دیگر کار می‌کنند. اما دهقانان می‌توانند خود را در حال کارگر شدن ببینند. به همین ترتیب، سرمایه‌داران کوچک می‌توانند تغییر موقعیت طبقاتی خود را در حالی که سرمایه مالی جهانی شروع به دیکته تصمیمات اقتصادی بیشتر برای زندگی آن‌ها می‌کند، ببینند. این وظیفه چپ است که با بیان این شرایط متغیر و روشن ساختن منافع مشترک، به ایجاد وحدت اجتماعی مسئله‌محور کمک کند. چپ باید از این تمایزات طبقاتی و کاستی آگاه باشد تا تناقضات آنتاگونیستی را از تناقضات ضد آنتاگونیستی جدا کند و بدین ترتیب جنبش‌های توده‌ای ایجاد کند. باید بتواند ارزیابی پویایی از طبقه و شکل تغییر آن در میان کشاورزان داشته باشد. تجار خرد کشاورزی، فروشندگان سبزیجات و پروتلرهای روستایی منافع مشترکی دارند زیرا همه‌ی آنها در معرض آینده‌ی مشترک فقیرسازی قرار گرفته‌اند. به همین دلیل است که در اعتراضات کنونی ضد این قوانین همه‌ی این کشاورزان به هم پیوسته‌اند.

ایجاد یک چنین وحدتی بین طبقات و سازمانهای مختلف دهقانان در هند نتیجه‌ی سال‌ها تلاش بی‌وقفه سازمان‌های مختلف کشاورزان و برپایی اعتراضات بزرگ و کوچک برای یافتن پاسخی برای بحران کشاورزی در هند است. در سال ۲۰۱۸ اتحاد بی‌سابقه‌ی بیش از ۲۵۰ سازمان مختلف دهقانان منجر به راهپیمایی طولانی حداقل ۵۰ هزار کشاورز در بمبئی شد که کشور را لرزاند. سیل عظیم جمعیت روستایی که با پای پرنه و پرچم‌های سرخ به بمبئی آمده بودند مردم را نسبت به شرایط وخیم روستاهای کشور حساس کرد. این اتحاد بی‌سابقه نتیجه‌ی تلاش‌های سازمان All India Kisan Sabha بود، ارگانی وابسته به حزب کمونیست هند (مارکسیست) که سال‌هاست هدفش سازمان‌یابی دهقانان و آگاه‌سازی آن‌ها در اقصی نقاط هند

Sharecroppers: زمین‌دارانی که قسمتی از محصول را به عنوان اجاره‌ی زمین برمی‌دارند و به کشاورزان معمولاً جا و مکان و دسترسی به آب برای کاشت و برداشت محصول می‌دهند. به صورت تاریخی این نوع کشاورزی در همه‌ی دنیا تا همین اواخر بسیار مرسوم بوده است. م.

است. سایر تحرکات روستایی و منطقه‌ایی در هند، که بسیاری نتیجه‌ی سازمان‌یابی چپ در روستاهاست، به اتحاد نیروهایی که امروز در مرز دهلی می‌بینیم کمک کرده‌اند.

کاست و کاستیسم ریشه عمیقی در میان دهقانان هند دارد. وظیفه احزاب کمونیست و اتحادیه‌های کشاورزان مرتبط با آن‌ها در هند - که به طور گسترده در بین کارگران کشاورزی طبقه پایین کار می‌کنند - این است که حرکت کشاورزان را به گونه‌ای شکل دهند که جایگاه طبقاتی و تعصبات شرکت کنندگان را به چالش بکشد و اختلافات ایجاد شده توسط این طبقه را میان دهقانان آشکار کند. ضمن ایجاد این وحدت، مهم است که ما نیاز حیاتی به توزیع مجدد زمین، اطمینان از اشتغال کافی روستایی و تکامل فرم‌های همکاری کشاورزی را فراموش نکنیم. وضعیت کارگران بی زمین و کشاورزان حاشیه‌ای در صورت لغو این قوانین به طور خودکار حل نمی‌شود. مشکلات زنان کشاورز، که اکثریت کشاورزان کشور را تشکیل می‌دهند، نیز با بحران همگانی کشاورزی مرتبط است اما شایسته توجه ویژه است. این جایی است که تئوری باید جنبش را به سمت آزادی همه سوق دهد، به جای اینکه این جنبش خود به خود مسیر خود را به سمت اشکال جدید سلطه طی کند.

درس سوم مربوط به شناخت طبقاتی خود دولت است. پس از آنکه مذاکرات با دولت به دنبال تعطیلی سراسری سازمان‌های کشاورزان انجام نشد، جنبش مشترک کشاورزان شعار جدیدی را اعلام کرد: " نیت واقعی دولت - آدانی ، آمبانی و احتکار". آدانی و آمبانی دو میلیارد بزرگ هندی هستند که قرار است بیشترین سود را از این قوانین کسب کنند. این شعار توضیحی واضح است درباره آنچه در پشت قدرت دولتی نهفته است و تانک‌های آب‌پاش را در زمستان به‌روی کشاورزان گشوده است: منافع سرمایه‌های بزرگ. کشاورزان همچنین تظاهرات اعتراضی را در مقر ریالینس (شرکت آمبانی) برنامه‌ریزی کرده‌اند و خواستار تحریم سیم کارت های فروخته شده توسط ریالینس و سایر محصولات این شرکت شده‌اند. این تاکتیک‌ها به جای دسته بندی انتزاعی "سیاستمداران"، خشم را دقیقاً به سمت کسانی که دولت را واقعا می‌چرخانند، هدایت می‌کنند.

به طور خلاصه، این یک جنبش قدرتمند است که دولت مودی را به چالش کشیده است، به میزانی که تعداد کمی از جنبش‌های دیگر توانسته‌اند انجام دهند. از آنجا که این یک جنبش کاملاً طبقاتی است، و همه‌ی هویت‌های مختلف جامعه‌ی هند در آن حضور دارند، انگ زدن به آن از بسیاری از جنبش‌های اجتماعی پیش از آن دشوارتر است. نخست وزیر از گفتن "مخالفان برخی کشاورزان را گمراه می‌کنند و از آن‌ها سواستفاده می‌کنند" به سمت "من با دست‌های بسته التماس می‌کنم، بیایید و این قوانین و مشکلاتتان را با ما در میان بگذارید" حرکت کرده است. این اعتراضات به ما نشان می‌دهد که دهقانان در هند هنوز قوی هستند و باید ستون فقرات هر پروژه سیاسی تحول آفرین را تشکیل دهند.
